

موسیقی اصیل توسط دانش آموزان

نوشته پیترو ماکسول دیویس

با آنکه چند سال است که مستقیماً با آموزش موسیقی دبیرستان سروکار نداشته‌ام زیرا به‌کار آهنگسازی و گاهی ابراد سخنرانی در دانشگاهها سرگرم بوده‌ام از تجربیاتی که در هنگام تدریس در مدرسه ملی سرچستر اندوخته‌ام شمه‌ای بیان می‌کنم. مثالهایی با استفاده از نوارهای ضبط صوتی که در کلاس و در هنگام تمرین موسیقی فراهم کرده‌ام می‌آورم.

این مدرسه از نوع مدرسه‌های عادی شهرستانی بود با تقریباً ۵۰۰ دانش‌آموز پسر و دختر که بعضی از ایشان از آبادیهای نسبتاً دور دست آمده بودند و در برنامه‌ی ایشان دو امتحان بزرگ بود یکی برای گواهینامه‌ی عمومی سطح عادی و دیگری سطح عالی.

درسه سال اول پس از ورود و امتحان یازده ساله‌ها به بالا دو زنگ ۴۰ دقیقه در هفته درس موسیقی داده می‌شد علاوه بر نیمساعت تکلیف خانه. در هر کلاس سی و پنج دانش‌آموز بود. در سالهای چهارم و پنجم دانش‌آموزان می‌توانستند موسیقی را برای امتحان دیپلم برگزینند و هر هفته پنج زنگ موسیقی بخوانند و در کلاس ششم نیز دانش‌آموزان می‌توانستند خود را برای امتحان سطح عالی آماده کنند. گذشته از کلاسهای عادی دسته‌های آواز دسته جمعی و ارکستر وجود داشت که هر کس داوطلب بود به آن می‌پیوست. این گروهها هفته‌ای دو بار گرد هم

می آمدند . گروه آواز، دسته جمعی یکبار به هنگام نهار برای مدت چهل و پنج دقیقه و بار دیگر برای يك ساعت پس از ساعات درس به مدت چهل و پنج دقیقه و باردیگر در ساعات درس به مدت نود دقیقه جمع می شد که در طی این مدت اخیر همه دانش آموزان از سال سوم به بالا به کارهای فوق برنامه می پرداختند حتی دانش آموزان بزرگسال .

گروه آواز دسته جمعی و ارکستر در مجالس و کنسرت های مدرسه پیوسته مورد استفاده قرار می گرفت و من کنسرت هایی با دعوت از اجرا کنندگان به مدرسه و بردن دانش آموزان به کنسرت های سفونی و غیره در شهرهای نسبتاً بزرگ آن پیرامون ترتیب می دادم .

نخست می پردازم به این فعالیت های فوق برنامه ای . هنگامی که به مدرسه گام نهادم این گروه آواز وجود داشت و بر اساس آوازهای چهارم بخش قرن شانزدهم بی همراهی موسیقی تعلیم یافته بودند . متأسفانه با آهنگی که باید آن را الحن سرودهای مقدس بخوانم سرود می خواندند که بی حال و شور و نشاط بود .

به هنگامی که دانش آموز بودم آواز گروه های کلیسایی ایتالیائی را شنیده بودم و با آنکه بیشتر این گروه ها خارج از میزان و آهنگ می خواندند اندیشیدم که صدای ایشان گویانکه خام است پر است از شور و بیشتر به موسیقی گرم سده شانزده نزدیک است تا آواز گروه مدرسه ای که در آن تدریس می کردم . از دانش آموزان درخواست کردم که از صدای طبیعی معمولی که در حیاط مدرسه برای خواندن سرود فولکلریک یا آواز دلچسب و سبک به کار می برند استفاده کنند . سرودهای ساده فراوانی برای تعلیم صدای آنها به کار بردم . این آوازا گذشته از داشتن خط آشکار آهنگین دارای انعطاف پذیری ریتمیک هستند که وسیله ای است دقیق برای تعلیم موسیقی قرون وسطائی و عصر رنسانس و نیز همچنین موسیقی قرن بیستم و دوران ما .

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۱

*

در اینجا نمونه ای است از سرودی که گروه آواز از یک سرود مذهبی کهن ایتالیائی با آهنگی که من تهیه کرده ام خوانده اند .

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۲

*

مثال دیگر از «تنبر» از ویکتوریا است

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۳

*

و سرانجام از گروه آواز، بخشی از سرودی که مخصوصاً برای این گروه ساخته‌ام.

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۴

*

ارکستر مدرسه را از هیچ شروع کردم و از معلمان نوازندگی سیار استفاده کردم و سرانجام گروهی با همه سازها فراهم شد. بی‌درنگ به دشواری نبودن مواد و موضوعات برای استفاده در این گروه برخورددم. زیرا که ناشران مختلف مواد پوچی از موسیقی کلاسیک فراهم کرده بودند که سر و ته شکسته آهنگهای معروف و «واقعی» کلاسیک به شمار می‌رفت. ساخته‌های باخ و موزار و غیره و آهنگسازان سده نوزدهم بسیار ناپسند از ساز نوآموزان به گوش می‌رسید و می‌بایستی اندک دگرگونی و دستکاری می‌شد. گذشته از این موسیقی که بعضی ناشران توسط آهنگسازان «آموزشی» از آهنگسازان واقعی برای کودکان فراهم می‌کردند دلچسب نبود. این آهنگها برای کودکان نوشته شده بود و بهترین جانشین موسیقی واقعی بود. منتها در آن نه شوری از موسیقی واقعی معاصر بود و نه شیوه نوازندگی استادان موسیقی کلاسیک حفظ شده بود و تنها تقلیدی پوچ بود. نوشتن موسیقی برای کودکان با این روش هیچ سودی ندارد. آهنگهای ساده قرون شانزدهم و هفدهم آهنگهای رقص و نیز آثار کوتاه از قرن بیستم از کسانی مانند بارتوک تنظیم کردم و آثاری هم ساختم و بر آنها افزودم و به دست این ارکسترها دادم. اکنون به رقص از ویلیام برد آهنگساز قرن شانزدهم که من تنظیم کرده‌ام گوش دهید. در آن ملاحظه خواهید فرمود که آلات سیمها هیچ دخالتی ندارند. نوازندگان آلات سیمی به کندی پیشرفت می‌کردند و هنوز آماده شرکت در کنسرت نبودند. اما باد جنکل آشکارا با آلات بادی نواخته می‌شود.

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۵

*

در کار عادی کلاس به خواندن از روی نت و آوازهای فولکلریک و کلاسیک می‌پرداختیم. اصرار ورزیدم که کودکان خواندن نت و آواز از روی آن را فرا گیرند. زیرا چه سودی دارد که بگویند موسیقی می‌فهمند اما خط آن را نمی‌توانند بخوانند. این را به صورت تکلیف‌خانه به دانش‌آموزان می‌دادم و یقین داشتم که

به آن توجه می‌کنند. زیرا چه تفاوتی بود میان فراگرفتن نت با آموختن دستور زبان فرانسوی یا آلمانی. اینک به آهنگ موت مونت مونتته وردی که برای کلاس تهیه کرده‌ام گوش فرادارید. توجه فرمایید که من یک دانش‌آموز را به نواختن ارگ و دیگری را به نواختن نی هشت سوراخ و دیگران را به نواختن آلات ضربی گماشته‌ام.

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۶

آواز را نخست با ساختن یک ترکیب و گردآوری خوانندگان کلاس دایرو از آوازه‌های معمولی شروع کردم. همچنین در همان مراحل اول همه دانش‌آموزان کلاس به خواندن پرداختند و ترکیب سیم‌های شماره ۱ و ۵ را به آنها آموختم. ابتدا این امر بسیار ساده بود و سپس آنرا با تغییرات در آواز بهتر کردم و اندک اندک خوانندگان نسبت به خود اطمینانی یافتند. اینک به آوازی از گروه کلاس سوم گوش دهید.

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۷

چه بسا که از دانش‌آموزان می‌خواستم عبارتی را که خوانده‌ام بی‌درنگ تکرار کنند. یا آنکه از یک نفر می‌خواستم از روی نت بخواند تا خواندن از روی نت ملکه ایشان بشود.

همچنین دانش‌آموزان را به گروه‌هایی تقسیم کردم و چیزی شبیه به «اپرای» برای ایشان تنظیم کردم و ضمناً کار تهیه داستان و تنظیم موسیقی را مانند بازی به عهده ایشان می‌گذاشتم. هدف از این کار نوشتن نت و اجرای درست آن بود. این ساخته‌ها بیشتر ساده و طبیعی و با هر آلتی که دانش‌آموزی می‌نواخت اجرا می‌شد. پیوسته در اطاق موسیقی آلات ضربی مانند طبل و سنج در دسترس داشتم این آلات نه تنها برای فراگرفتن ریتم سودمند است بلکه برای دانش‌آموزان کم‌رو و شرم‌حضوردار نیز وسیله‌ای خوب است. اینک به یک «اپرای» اجرا شده توسط دانش‌آموزان یازده ساله درباره لو کو موتیو گوش کنید.

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۸

دانش‌آموزان بطور طبیعی و آزاد در این گروه‌ها آهنگ می‌ساختند و بعضی از گروه‌ها ساخته‌هایی ساده که بیشتر در حدود آموزشی بود که فرا گرفته بودند

فراهم کردند . پیوسته بی‌درنگ دانش‌آموزی را که قطعه‌ای ساخته بود مأمور رهبری در اجرای آن می‌کردم . اینک به یک سرود عید میلاد ساخته یک دانش‌آموز سیزده ساله که رهبری ارکستر را نیز بهمهده داشته گوش دهید .
مثال از نوار ضبط صوت شماره ۹

*

اینک یک قطعه دیگر از ساخته‌های همین دانش‌آموز پس از چند ماه که در نوشتن نت‌های آن شش دانش‌آموز دیگر هم با او همکاری داشتند ، به قطعه‌ای از آن که گروهی خانه‌ای می‌سازند و پیشرفت خانه‌سازی توجه کنید .
مثال از نوار ضبط صوت شماره ۱۰

*

گاهی دانش‌آموزان دانسته یا ندانسته موادی برای ساخته‌های خود از این و آن می‌گرفتند این قطعه که ساخته یک دانش‌آموز ۱۵ ساله است بندهایی از یک آهنگ کوردکستان دارد .

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۱۱

*

این قطعه آشکارا بر اساس یک آهنگ قرون وسطایی ساخته شده که سازنده آهنگ‌های دیگری هم به آن چاشنی کرده .
مثال از نوار ضبط صوت شماره ۱۲

*

ساخته‌های کوردکان همواره تازگی و نوآوری مخصوص نقاشیها و شعرهای ایشان را دارد و در اینجا اورتوری برای یکی از اپراهای ساخته کوردکان که نوعی راز است ضبط شده .

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۱۳

*

در اینجا دو مثال دیگر از اپرا که در آن دزدان دریایی و سرخ‌پوستان می‌جنگند آمده است . در آنجا که سرخ‌پوستان به میان می‌آیند طبل بزرگ و صدای بم را ملاحظه کنید .

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۱۴

*

پس از رسیدن به سن بلوغ و رشد، ساخته‌ها بیشتر با کنترل و معقول می‌شود .

قطعه‌ای را که همان سازنده قطعه بالا در باره سرخ‌پوستان يك سال بعد در چهارده سالگی ساخته است ملاحظه کنید .

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۱۵



باید بگوییم که بعضی از ساخته‌های اولیویه مسیان همین گونه است .
در اینجا به قطعه‌ای نواخته شده با کلارینت و پیانو ساخته یک‌پسر ۱۵ ساله توجه کنید . کلارینت را خود سازنده می‌نوازد .

مثال از نوار ضبط صوت شماره ۱۶



در يك سخنرانی کوتاه نمی‌توان نمونه‌هایی از انواع گوناگون ساخته‌های تك‌سازی یا گروهی که در آن مدرسه اجرا شد به دست داد . اما چنین می‌پندارم که از همین نمونه‌های مختصر دریافته باشید که با آموزش درست و محیط دلپسند کودکان می‌توانند چیزهایی عرضه کنند که فضای مدرسه را دگرگون سازد و آنرا به محیط شادی و خوشی مبدل کند . ساخته‌های کودکان مانند نقاشی و شعرایشان پر است از آهنگهایی به سبک «مدرن» و «ابتدایی» . زیرا این دو با هم پیوندی دارند .
در پایان می‌خواهم نکته‌ای را یاد آور شوم . چنانکه ملاحظه فرموده‌اید این ساخته‌های دانش‌آموزان با اصول بیچیده هماهنگی و ناهماهنگی پیوند چندانی ندارد . زیرا که آموختن این اصول از بروز حسن خلاق و هنرآفریننده کودک جلوگیری میکنند . این اصول مانند زنجیری به پای ایشان می‌افتد و از رفتن آنان جلوگیری می‌کند . این اصول را باید پس از آنکه کودک به کارخواندن نت و ساختن موسیقی و اجرای آن پرداخت و پیشرفتی کرد آموخت . همچنانکه در نقاشی به کودکان اصول پرسپکتیورا در ابتدا نمی‌آموزند بلکه او را آزاد می‌گذارند تا رنگ‌ها را آزادانه بکار برد .

این نکته‌ای است که من در ضمن تدریس در این مدرسه دریافتم و پیشنهاد می‌کنم که کودکان در کار سازندگی و آفرینندگی آزاد گذاشته شوند تا ذوق و سلیقه ایشان رشد کند و به موسیقی دل‌بستگی یابند .